خارج اصول

جلسه74 \* دوشنبه 7/ 11/ 98

موضوع: مسأله ی ضد

­­­­­­­­­­­­­­­­­­ بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطیبین الطاهرین.

لا حول و لا قوة الّا بالله العلی العظیم.

کلام در فرمایش محقّق نائینی بود که محقّق خوئی فرمایش ایشان را در سه نکته خلاصه کرد. محقّق خوئی به نکته ی دوّم اشکال کرد.[[1]](#footnote-1) عرض شد اشکال محقّق خوئی بر محقّق نائینی وارد نیست زیرا ضدّین دو حیثیّت دارند: «فی نفسه» و «مع الغیر»؛ در صورت لحاظ ضدّ بودن آنها دیگر احکام فی نفسه بر آنها بار نمی شود. مثلاً ازاله بما هو ازاله و صلاة بما هی صلاة هر کدام فی نفسه احکامی دارد و بما هو ضدّ، احکام دیگری دارد. تعبیر لحاظ ازاله فی نفسه یا لحاظ صلاة فی نفسه صحیح است ولی تعبیر «ضدّ فی نفسه» اشتباه است؛ تناقض است. لذا محال است که ضدّین هر دو اقتضاء داشته باشند زیرا این بمعنای جمع شدن دو علت ناقصه است. محال است شارع حکیم هر دو ضد را مقتضی دار کند یعنی هر دو را طلب کند؛ زیرا به این معناست که دوست دارد که ضدین در عالم اقتضاء با هم جمع شوند.

تا اینجا نکته ی اوّل و دوّم تمام شد.

اما نکته ی سوّم

محقّق نائینی فرمود: اگر در باب تضادّ، عدم ضدّ، مقدّمه باشد برای وجود ضد دیگر بخاطر منافرة، پس در باب تناقض نیز باید عدم یک نقیض مقدّمه ی وجود نقیض دیگر باشد به همان دلیل.

محقّق خوئی می فرماید: قیاس مع الفارق است زیرا مقدّمیّت در باب نقیضین، مستلزم «توقّف الشیئ علی نفسه» می باشد.

[استاد:] أقول: بحث در این بود که نمی شود عدم ضدّ، مقدّمه ی وجود ضدّ دیگر باشد؛ زیرا اوّلاً ضدّین در یک رتبه اند و ثانیاً مقدّمیّت، مستلزم دور است؛ و حقیقت دور همان توقّف الشیئ علی نفسه می باشد. در تناقض نیز همین است و قیاس این دو به هم صحیح است.

این صحیح است که تضاد با تناقض از نظر ماهیّت با هم متفاوتند ولی از این جهت که محقّق نائینی قیاس کرد مانند هم می باشند.

(پایان)

1. . محقّق نائینی فرمود اجتماع ضدّین همانطور که در مقام تحقّق محال است، در مقام اقتضاء نیز محال است.

   محقّق خوئی با دو بیان مناقشه می کند و می فرماید:

   [بیان وجدانی:]در مقام اقتضاء محال نیست زیرا در این مقام تضادّی نیست.

   [بیان برهانی:]اگر امکان ثبوت مقتضی برای هر دو نباشد، دیگر امکان ندارد که عدم معلول به وجود مانع مستند شود [↑](#footnote-ref-1)